

به نام شهدائانی توانا

تاریخ و فرهنگ زندگی اجتماعی مردم

طامه نطنز

گردآوری و نگارش

مجید اکبری طامه

۱۳۹۶

سرشناسه: اکبری طامه ، مجید ۱۳۳۵

عنوان و نام پدید آورنده: تاریخ و فرهنگ زندگی اجتماعی مردم طامه نطنز: گرد آوری و نگارش مجید اکبری طامه.

مشخصات نشر: تهران ، کانیار ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۴۶۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۳-۶-۱۱-۶

وضعیت فهرت نویسی: فیبا

موضوع: نطنز

موضوع: Iran (Natanz)

موضوع: نطنز - آثار تاریخی

موضوع: Iran - Antiquities (Natanz)

موضوع: طامه

موضوع: Iran (Tameh)

موضوع: طامه - آداب و رسوم زندگی اجتماعی

موضوع: Tameh (Iran) - Social Life and Customs

رده بندی کنگره: ۱۳۶ ۷ الف ۷ ظ / ۲۱۲۲ DSR

رده بندی دیویی: ۹۲۳۷/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۲۶۹۳

انتشارات کانیار

تاریخ و فرهنگ زندگی اجتماعی مردم طامه نطنز

گرد آوری و نگارش: مجید اکبری طامه

حروفچینی و صفحه آرایی: دفتر فنی شهرام - غفاری

طراح جلد: فریبا بیگی

چاپ و صحافی: صحافی مومن

لینوگرافی: پویش

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۳-۱۱-۶-۱۱-۶

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

تهران ، خیابان ستارخان ، خیابان کاشانی پور ، خیابان دست پرور ، کوچه صدقی ، پلاک ۱۰ ، واحد ۱ : تلفن : ۴۴۲۵۶۰۹۸ همراه : ۰۹۱۳۲۰۸۳۷۷۵

Kanyar Publisher@yahoo.com

Kanyar Publisher@gmail.com پست الکترونیک

فهرست مطالب

مقدمه

۱۹	پیشگفتار
۲۲	دیباچه
۲۵	مقدمه‌ای بر نطنز
۲۵	جغرافیای نطنز
۲۶	قدمت
۲۶	نام نطنز
۲۷	آثار تاریخی
۲۹	دوره تیموری
۳۰	دوره صفویه
۳۳	دوره قاجار
۳۵	حاجی ابوالقاسم طامه‌ای
۳۷	بازار قصبه
۳۹	شهرستان نطنز
۴۱	میراث فرهنگی نطنز
۴۳	بعد از انقلاب اسلامی
۴۵	طامه نطنز
۴۶	اشعاری درباره طامه
۴۹	نام طامه
۵۰	جمعیت طامه

- جغرافیای طامه ۵۱
- گُدار و گُنبد باز ۵۲
- تله کُوله ۵۳
- گزرستان ۵۳
- دُولاویون ۵۴
- سد طامه و استخر لاگله ۵۵
- زونگ ۵۷
- تخته‌های در کس، سنگ نشان ۵۸
- قُله ۶۰
- لاپک ۶۱
- خاست ۶۲
- گله تایین ۶۳
- دره لاپنه ۶۴
- کرکس کوه، جانوران و نباتات درّه طامه ۶۴
- گیاهان دارویی ۶۶
- جانوران ۶۶
- تقسیم اراضی ۶۷
- محلّه‌های مسکونی ۶۸
- قدمت و مدنیت ۷۰
- راه‌های طامه ۷۴
- اولین خطه ماشین ۷۶
- راه‌های روستاهای جنوبی و شرقی ۷۶
- آب انبار ۷۶

۷۷	راه سلطان گروه آباد
۷۷	خطه ماشین راه ترابعلی
۷۸	راههای فرعی روستا
۸۰	روش زندگی مردم طامه
۸۰	آرامش
۸۱	مالکیت خرده پای
۸۱	قنات و قنوت و قناعت
۸۲	زنان و زحمت
۸۳	هاون (یونه)
۸۶	تنور و نان
۸۷	قوانین نانوشته
۸۸	سرانه مواجب در طامه قدیم
۹۰	احترام و انضباط
۹۰	اعتقادات
۹۱	تجارت و صنعتگری
۹۲	غُرَبَتی ها
۹۲	بازارچه پشت وایسون
۹۳	بوته کنی جمع آوری سوخت (خلاشه)
۹۴	چُونِک
۹۴	کال جینی
۹۴	کتیرا
۹۵	قصای در طامه
۹۶	پوشش قدیمی مردم طامه

۹۸.....	سجل احوال
۹۹.....	نام خانوادگی، نیاکان
۱۰۳.....	یک نمونه نیاکانی
۱۰۴.....	گویش مردم طامه
۱۲۴.....	آداب و رسوم مردم طامه
۱۲۴.....	عید نوروز
۱۲۴.....	چهارشنبه سوری
۱۲۵.....	فالگوش
۱۲۵.....	قاشق زنی
۱۲۵.....	۵ شنبه عید
۱۲۶.....	تحويل سال
۱۲۷.....	سینی عید (سفره)
۱۲۸.....	دید و بازدید
۱۳۰.....	عید و بزرگترها
۱۳۱.....	شیشه
۱۳۱.....	شاه بازی
۱۳۵.....	سیمزده بدر
۱۳۶.....	بازی زنان
۱۳۷.....	پایان جشن ها
۱۳۸.....	بازیها
۱۳۸.....	بازی لاج
۱۳۹.....	هم ملای
۱۴۰.....	سر درجه ای

۱۴۰	 گنگ بازی
۱۴۱	 شب نشینی
۱۴۲	 شب چله، یلدا
۱۴۳	 جلِ جلانی
۱۴۶	 مراسم خواستگاری و عروسی در طامه
۱۴۶	 مجمه بران
۱۴۷	 حمام و سرتخته
۱۴۷	 طلبون (دعوت)
۱۴۸	 سلام دادن داماد
۱۴۹	 پایان مراسم
۱۴۹	 مادر زن سلام
۱۴۹	 شب جاخالی (پاتختی)
۱۵۰	 قباله‌های ازدواج در قدیم
۱۷۲	 مراسم تدفین در گذشتگان و عزاداری
۱۷۷	 محرم در طامه
۱۷۸	 روز عباسعلی
۱۷۹	 نخل
۱۸۰	 فلسفه نخل
۱۸۰	 ساخت نخل بزرگ
۱۸۲	 ساخت نخل کوچک
۱۸۴	 عاشورا
۱۸۶	 مغزله حاجت (حاجتگاه)
۱۸۶	 پاچنار

۱۸۸	پایان مراسم و باز کردن نخلها
۱۸۹	تشکیل هیئات مذهبی
۱۹۱	ساخت مسجد در تهران
۱۹۳	ساخت حسینیه در تهران
۱۹۴	تعزیه خوانی
۱۹۸	روضه خوانی
۱۹۸	چاوشخوان
۲۰۰	شهدای طامه
۲۰۸	ماه مبارک رمضان (رُوح)
۲۰۹	مراسم آتش زدن ابن ملجم
۲۱۰	مسجد طامه
۲۱۶	مساجد محله‌ها
۲۲۱	امام زاده فاضل شاه سید (ع)
۲۳۱	اشعاری در وصف امام زاده
۲۳۸	آرامگاه خواجه حافظ
۲۴۶	کشاوری
۲۴۶	تلاش و همت
۲۴۶	تفکیک دشت و رز
۲۴۷	زمین
۲۴۸	آب
۲۴۸	استخر بندی
۲۴۸	استخر لاکله
۲۵۰	استخر دراشت

۲۵۰	استخر خاشته
۲۵۱	استخر پل تچه
۲۵۱	استخر میان کلان زیر باغ
۲۵۲	گُم
۲۵۳	قناتهای طامه
۲۵۳	قنات‌های نابود شده
۲۵۳	قنات گرسیاه
۲۵۴	قنات تاتر
۲۵۵	قنات خاشته
۲۵۶	قنات در چشمه (خواجه خاشته)
۲۵۶	قنات درکه، درب کی
۲۵۸	میراب
۲۵۸	قنات بامرود
۲۵۸	قنات تازم
۲۵۹	قنات‌های درّه لا اسپیدانی
۲۵۹	قنات همت آباد
۲۶۴	کوه کار
۲۶۵	محلات باغی و مزارع طامه
۲۶۶	آبیاری تقسیم آب
۲۶۹	بالونه
۲۶۹	قُرص
۲۷۰	جوق نامه
۲۷۹	شخم زدن

- ۲۸۱ کُود دهی
- ۲۸۱ جوب روفی
- ۲۸۱ مو بندی
- ۲۸۲ تُخم کاری گندم، توم (Tom) (بذر)
- ۲۸۲ جو
- ۲۸۳ خرمنگاه و یوین
- ۲۸۴ سردشت
- ۲۸۵ درو گندم
- ۲۸۶ خرمن
- ۲۸۷ دشت بان
- ۲۸۷ چُن کش
- ۲۸۹ بوجاری
- ۲۹۱ سر درختی
- ۲۹۱ غلابی
- ۲۹۶ سیب
- ۲۹۶ انگور
- ۲۹۸ زرد آلو، هلو، آلو
- ۲۹۹ بادام
- ۳۰۰ گردو
- ۳۰۱ برگ روفی
- ۳۰۱ تقویم رعیتی
- ۳۰۳ آسیاب و آرد
- ۳۱۱ ثبت املاک، اسناد تاریخی

۳۴۷	دامداری
۳۴۷	محل نگهداری دامهای درب خانه ای
۳۴۸	گله روده
۳۵۱	پاجن ورداد
۳۵۲	قشلاق
۳۵۳	زایش
۳۵۴	خروج از قشلاق و حصارهای اطراف زمینهای کشاورزی
۳۵۵	قُرُق
۳۵۵	بیلاق
۳۵۷	شیر دوشی
۳۵۹	ماست زنی
۳۶۱	فراوردههای حیوانی
۳۶۱	روغن و تراز
۳۶۲	قسر چینی
۳۶۲	دندانی و روغنی
۳۶۳	آذوقه، تغذیه دامها
۳۶۵	کنگرگنی
۳۶۶	زنور داری
۳۶۸	امنیت
۳۶۸	تله دوتون
۳۷۲	آموزش قدیم و جدید در طامه
۳۷۲	سواد قدیمه (اسناد قدیمی دست خط ملاهای طامه)
۳۸۸	گذری بر آموزش قدیم و شروع نظام آموزشی جدید

۳۹۱	مدرسه در نطنز.....
۳۹۳	مدرسه در طامه.....
۳۹۴	مدرسه حافظ طامه.....
۳۹۷	مدرسه میرکیانی طامه.....
۴۰۰	حمام طامه.....
۴۰۳	گورستانها.....
۴۰۳	گورستان پلر و خواجه حافظ.....
۴۰۵	گورستان اطراف امام زاده.....
۴۰۶	گورگبران.....
۴۰۷	گورستان پاچنار، بابا حرامی.....
۴۱۳	صنایع دستی.....
۴۱۳	ریسندگی.....
۴۱۴	ریسمان و طناب بافی.....
۴۱۴	کُرک.....
۴۱۵	چرخ ریزی.....
۴۱۶	ترکه بافی.....
۴۱۷	مشک بندی (خیک بندی).....
۴۱۹	قالی بافی.....
۴۱۹	قالی بافی در طامه.....
۴۲۲	مهاجرت.....
۴۲۳	مهاجرت اجباری افراد به طامه.....
۴۲۳	مهاجرت و خشکسالی.....
۴۳۲	منازل قدیمی.....

۴۴۷	پایان نامه سخنی با شما.....
۴۴۹	آلبوم عکس.....
۴۷۰	منابع.....

www.ketab.ir

ستایش واجب است آغاز دفتر ذات یزدان را

که آورد از عدم در عرصه ایجاد امکان را

خداوندی که گاه از مُشت گِل آدم پدید آرد

گهی ظاهر کند از خاک و گِل گِل‌های الوان را

یزدان پاک را سیاس می‌گویم که به من توانایی داد تا حاصل ۳ دهه تحقیق را در این مجموعه گرد آوری و کتابی را بعنوان «تاریخ و فرهنگ زندگی اجتماعی مردم طامه نطنز» به سرانجام برسانم.

به علّت عشق و علاقه من که به طامه و طامه‌ای‌ها و تاریخ داشتم، در جستجوی راهی و موضوعی بودم تا در مورد آنجا و آنجا بنویسم.

نوروز سال ۱۳۶۶ ه. ش بود که تصمیم گرفتم نام هر شخص از اهالی طامه را در هر مکانی که از دنیا رفت با شرح کوتاهی در دفتر ثبت کنم (هیچ موضوعی را همه گیرتر از مرگ نیافتم) بعدها بحث نیاکان فامیل‌های طامه نیز به آن اضافه شد که ادامه دارد و به صورت یک مرجع دستنویس باقی خواهد ماند.

فکر اینکه با مهاجرت گسترده مردم به شهرها و فرهنگ شهرنشینان هم چنین فقدان قدیمی‌ها، نوع زندگی سنتی آداب و رسوم و اعتقادات مردم در حال تسریع نابودی است، مصمم شدم کاری تحقیقی در مورد طامه و اطراف انجام بدهم.

فرهنگ مردم در هر جامعه‌ای میراث معنوی آنهاست و جوانان، آینده سازان و تفکرات آنها حامل فرهنگ گذشتگان به آینده است و این گردشی است که در طول زندگی مردم بی در پی اتفاق افتاده و به ما رسیده است.

امروزه ما هر چه در معرض پیشرفت علم و آورده‌های روز افزون آن قرار بگیریم و با سرعت در دنیای آن غرق شویم باز به دنبال ریشه‌های خود هستیم ریشه‌های ما پدران و

مادران زحمت کشی بودند که اعتقادات و فرهنگ غنی گذشتگان را به ما منتقل کرده‌اند و رواست که ما این میراث ارزشمند را حفظ کرده و به نسل بعد انتقال بدهیم.

هدف از تحقیق و نگارش این مجموعه، ماندگاری فرهنگ زندگی اجتماعی آداب و رسوم، اعتقادات، کشاورزی، دامداری سنتی، تعریفی از جغرافیا و اماکن قدیمی از بین رفته و به جا مانده و دیگر موضوعات مربوط به طامه می‌باشد.

این مجموعه در حالی جمع آوری شد که اطلاعات از گذشته بیشتر به صورت تاریخ شفاهی و روایات بجا مانده بود. اسناد تاریخی هم اکثراً در مورد معاملات و جابجایی اموال و نکاح بود و دسترسی به آن مدارک نیز کار آسانی نبود. ابتدا سؤالات مکرر از بزرگان و سالخوردگان و مطابقت گفته‌های آنها با هم و سپس مطالعه جغرافیای دره، نام‌های باستانی محلات مسکونی، کشاورزی، کوهستانی، مکانهای قدیمی موجود و اماکنی که در دهه‌های قبل از بین رفته بودند، شروع شد.

با مطالعه اسناد قدیمی، خاطرات و شنیده‌های تعداد زیادی از طامه‌ایهای علاقمند، این کتاب در بخشهای مختلف آماده شد.

ناگفته نماند که یک موضوع شفاهی که سینه به سینه پس از چندین نسل به ما رسیده نیاز به مطالعه و تحقیق همه جانبه داشت و همین مطالب کار دشوار و طولانی کرد.

امیدوارم مطالب این مجموعه مورد پذیرش شما خوانندگان عزیز و فرهیخته قرار بگیرد و بتواند بیانگر فعالیت سرسختانه مردم در دره ناهموار، خشن و زیبای طامه باشد و نقیصه عدم یادداشت نویسی گذشتگان نیز برطرف شود تا به آیندگان بدهکار نباشیم.

با توجه به اینکه مدعی هستم سالهاست درباره طامه و برای ماندگاری نام و نشان مردم و فرهنگ زندگی اجتماعی آنها تحقیق کرده و می‌نویسم، هیچ ادعایی در نویسندگی و غنای ادبی ندارم. لذا ممکن است در انشاء مطالب و ادای دستوری آن نواقص و نارساییهایی وجود داشته باشد که قبلاً پوزش می‌خواهم و یقیناً هر نوشته‌ای قابل نقد است.

از مکانی و مردمی می‌نویسم که فرهنگ بزرگی را ایجاد کرده‌اند در امور کشاورزی و دامداری و تاکنون درباره آنها و آنجا هیچ مطلبی نوشته نشده است و این مهم بایستی مد نظر انتقاد کننده باشد.

در پایان از کلیه عزیزان بزرگواری که اطلاعات شفاهی و اسناد قدیمی خود را در اختیار من گذاشته (عده‌ای از آنها در قید حیات نیستند) و یا مرا به این کار تشویق کرده‌اند کمال تشکر را دارم و برای در گذشتگان طلب آمرزش و مغفرت می‌نمایم.

مجید اکبری طامه

www.ketab.ir

دیباجه (خودمونی)

من از اُونایی می نویسم که از قدیم قدیم تا حالا تو طامه بدنیا اُومدن و اولین قَدَمای لُرزونشون رو روی زمین سفت و سنگلاخی اونجا گذاشته‌اند اُفتان و خیزان راه رفتن و یاد گرفتند. تو محله‌های ناهموار و کُوجه باغای سَنگی و دشت، پی جُوبا دُویدند و بازی کردند و بزرگ شدند.

چِوَن چروندند و آب‌تر کردند تو کارا به پدر و مادرشون کمک کردند مادرایی که با خرده و هیم تنور می‌سوزوندند و نون می‌پُختند و تو برف می‌رُفتند دُم جوب رَخت و ظُرف می‌شُستند گاو می‌دوشیدند و ماست می‌زدند و ...

اون مادرا همیشه کار می‌ستند و بچه‌های قد و نیم قد، راستی اُونا چطوری اینقدر امیدوار بودند و زحمت می‌کشیدند ...

اون بچه‌های زبل هی می‌دُوبند ما می‌دُویدند و پیرا که قبلاً دُویده بودند دُعاشون می‌کردند که پیر شید اونام از بچه گی باسور می‌گفتند و از اجدادشان که حالا سینه پل و رویه قبرستونی^۱ خوابیده بودند خلاصه سال رسید به نسل ما همه کارای سنتی بود مدرسه و درس و مشق و ترکه هم اضافه شد صَف و تِلان، صَف و دست نماز تو سرما و آب در چشمه و نماز جماعت تو حیاط، آخر هم با صَف، صَف بود، صَف صحرا، صَف بالا گله و صَف بامرود، ما هم دُویدیم و کار کردیم زمستونها برف بازی کردیم و برف پایین انداختیم پا دیگ قرمه دُم کلک^۲ نشستیم جل جِلانی رفتیم و آجیل گرفیم نادای کردیم و ورمالیدیم^۳ چهارشنبه سوری رو نَرْدو اگه و تله کُوله آتیش روشن کردیم شب عید پلو خُوردیم و روز اوّل عید لباس نو پوشیدیم و رفتیم خونه بزرگترا سقف آرزوها مون در مسجد بود و شیر یا خط و تخم مرغ بازی و بازی لاج پُشت خونه مهدی. سیزده بدر تو کوجه باغها

۱- هیزم

۲- گورستانهای قدیمی طامه.

۳- اجاق

۴- فرار کردیم

و بعد هم در شاهسید و عبدالله آباد و غروب غمناک و خداحافظی با عید. چشم مادر، باباهامون به کرگیس بود و سنگ نشون و دعاشون که گُلا تو سرما نسوزه آب در خونه سیاه و در خونه مارجِه و آیزلاش امیدشونو زیاد می‌کرد.

البته امید و توکل شون به خدا بود و دعاشون در شاهسید و در خواجه حافظ. سلام پنجره فولاد یادشون نمی‌رفت قسم شاهسید نهی از هر منکری بود. ما خیلی دُویدیم از کوکار و زیر باغ و دُنِبلَا تا دِراشت و لاگِلِه از پُشت گِلِه زُولِه و پُشت اَرجه تا کَشْک خُونه و قُلّه، کار گردِ بِ و بازی کردیم. گُو ورماله، هُم ملای، قایم باش، حاضر باش و مُحَرّمَا الله اکبر گفتن و یا حَیْن کشیدن رو پُشت بوم مسجد نذر حُسین و عباس گفتن و هیمه جَمع کردن.

دُنِبال چوبِ عَلم گشتن روز دَاشورا عَلم به کُول جلو نَخَل تا در خواجه حافظ و از اُونجا تا مغزله حاجت و بعد تارونه جبرِ رَی و پاچنار دُویدن و نُون و ماست خُوردن و از همون بعداز ظهر باز، کار و کار و کار.

فردا صبح از پی جوب سراوان و از کنار اوشته و نطنز دُویدن و برگشتن و تکرار و تکرار و بعد بزرگ شدن... و حسرت اون روزهای قشنگ و خردن و یاد بزرگترا پدرا و مادرایِی که حالا نبودند، اونا پاکترین و زحمت کش ترین بنده‌ها و اونا بودند اونا نعمت و رحمت بودند خدا رَحمتشان کُنه یادشون گرامی.

سعی می‌کنم زحمات و نوع زندگی اجتماعی و فرهنگ بومی آنها در جنبشهای مختلف به گونه‌ای به نگارش در آورم تا برای فرزندان و آیندگان ماندگار شود.

بیاری خدا: «مؤلف»